**باب دوم – در روزه**

**فصل ثانی**

**در ميقات صيام**

در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"و اذا تمّت ايّام الإعطاء قبل الأمساک فليدخلنّ فی الصّيام کذلک حکم مولی الأنام." (بند ۱۶)

تبصره ١ - بنصّ مبارک فوق شهر العلاء ماه روزه است و آن ماه نوزدهم از شهر بهائی است چون ماه هجدهم خاتمه يابد پس از آن بنصّ مبارک ايّام‌ها و اعطاء شروع ميشود و از آغاز ماه نوزدهم (شهر العلاء) بايد صائم شد. در لوح حاجی کاظم نسّاج از قلم عظمت جلّ جلاله نازل قوله تعالی:

"يا احبّائی ان اعملوا بما امرتم به فی الکتاب قد کتب لکم الصيام فی شهر العلاء صوموا لوجه ربّکم العزيز المتعال."

و در لوح "يا احمد اسمع النداء من شطر الکبرياء" از قلم جمال قدم جلّ جلاله نازل قوله تعالی:

"يا احمد عليک بهائی ذکر صوم و صلوة مجدّد ميشود تا معلوم و واضح گردد صوم بيان لدی الرّحمن بطراز قبول فائز و در کتاب اقدس حکمش نازل. و اما الصلوة انّها نزلت من قلمی الأعلی علی شأن تشتعل به الصّدور و تنجذب به الأفئدة و العقول."

تبصره ٢ - چون ذکر ايّام هاء در کتاب الهی مقرون بذکر صيام وارد شده بنا بر اين در ذيل اين تبصره بايّام هاء و سال و ماه اين امر بديع اشاره کرده سپس بنگارش باقی احکام صوم ميپردازد.

در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"انّ عدّة الشّهور عند اللّه تسعة عشر شهرا فی کتاب اللّه قد زيّن اوّلها بهذا الأسم المهيمن علی العالمين." (بند ۱۲۷)

مطابق نصّ صريح حضرت اعلی جلّ اسمه الاعزّ الاعلی سال مرکّب از ١٩ ماه و هر ماه عبارت از نوزده روز است. قوله تعالی: در باب ثالث از واحد خامس کتاب بيان " خداوند عالم خلق فرموده کلّ سنين را بامر خود و از ظهور بيان قرار داده عدد هر سنين را عدد کلّشیء و آنرا نوزده شهر قرار داده و هر شهر را نوزده روز فرموده .... شهر اوّل را بهاء و آخر را علاء ناميده."

اسامی شهور و ايّام را حضرت اعلی جلّ اسمه الاعلی مطابق اسماء الهی که در دعای سحر شيعيان اماميّه نازل شده مقرّر فرموده‌اند و عنوان آن دعا اين است:

"اللّهمّ انّی اسئلک من بهائک بابهاه و کلّ بهائک بهی .." الخ

اسم آخر شهور که در ايندعا ذکر شده علاء است و اسم اوّل بهاء و ساير اسامی نيز مطابق اسامی ايّام و شهور امريست ولکن در شريعت بيان محلّ و مقام ايّام زائده بر ايّام سال امری معيّن نشده بود تا آنکه حکم آن از قلم جمال قدم جلّ ثنائه

در کتاب اقدس نازل شد قوله تعالی:

"و اجعلوا الأيّام الزّائدة عن الشهور قبل شهر الصيام انّا جعلناها مظاهر الهاء بين اللّيالی و الأيّام لذا ما تحدّدت بحدود السّنة و الشّهور ينبغی لأهل البهآء ان يطعموا فيها انفسهم و ذوی القربی ثمّ الفقرآء و المساکين و يهلّلنّ و يکبّرنّ و يسبّحنّ و يمجّدن ربّهم بالفرح و الأنبساط" (بند ١٦)

و در لوحی نازل:

"و سال هم نوزده ماه مقرّر و هر ماه نوزده روز که عدّه جميع ٣۶١ روز ميشود. و چون ايّام شمسی ٣۶۵ روز و بعضی سالها ٣۶۶ روز است پنج يوم زائده و کسر را که مظاهر هاء و ايّام عطاء است و قبل از امساک مقرّر فرموده‌اند بايد قبل از شهر صيام قرار داد و ماه صيام ماه آخر است و روز نوروز روز عيد ...".

و اسامی نوزده ماه را باين نحو مقرّر فرموده‌اند ماه اوّل شهر البهآء دوّم شهر الجلال سوّم شهر الجمال چهارم شهر العظمة پنجم شهر النّور ششم شهر الرّحمة هفتم شهر الکلمات هشتم شهر الکمال نهم شهر الاسماء دهم شهر العزّة يازدهم شهر المشيّة دوازدهم شهر العلم سيزدهم شهر القدرة چهاردهم شهر القول پانزدهم شهر المسائل شانزدهم شهر الشّرف هفدهم شهر السّلطان هجدهم شهر الملک نوزدهم شهر العلاء و اين نوزده اسم اللّه اسامی ايّام هر ماه از ابتدا تا يوم نوزدهم اطلاق ميشود مثلا يوم اوّل هر ماه يوم البهآء، دوّم يوم الجلال، سوّم يوم الجمال بهمين نحو تا آخر و اسامی ايّام هفته را نيز از اسماء اللّه تعيين فرموده‌اند مثلا شنبه يوم الجلال، يکشنبه يوم الجمال، دوشنبه يوم الکمال، سه‌شنبه يوم الفضال، چهارشنبه يوم العدال، پنجشنبه يوم الاستجلال جمعه يوم الاستقلال و بدء سنه از سنه اوّل ظهور است از واحد اوّل از اوّل تعداد نموده تا بنوزده که يکواحد است منتهی شود ثانيا واحد ديگر کذا ثالثا الی ما لانهايه ولی در تعداد سنه از اوّل و دوّم و سوّم الی عدد واحد او ازيد تعداد ذکر واحد اوّل و ثانی و ثالث الی ايّ عدد يعدّ بايد ذکر شود تا واحد منتهی نشده مرقوم ميشود سنه اوّل يا دوّم يا سيّم از واحد اوّل و چون نوزده تمام شد سنه اوّل يا چهارم يا نهم مثلا از واحد ثانی و يا ثالث و يا رابع الی ما لانهايه مرقوم ميگردد."**[[1]](#footnote-1)**

و ايّام الهاء چنانچه ذکر شد قبل از ايّام صيام گرفته ميشود.

جمال مبارک جلّ جلاله در لوح خليل**[[2]](#footnote-2)** که از کتاب هياکل سؤال کرده ميفرمايند قوله تعالی:

"و امّا ما سئلت فی الأيام انّا جعلناها مظاهر الهاء فی ملکوت الأنشاء لذا ما تحددت بحدود السّنة و الشّهور ينبغی لمن فی البيان ان يطعموا فيها انفسهم ثمّ الفقراء و المساکين و يهلّلوا و يکبّروا و يسّبحوا و يمجّدوا ربّهم بالفرح و الأنبساط و اذا تمّت الأيّام يدخلنّ فی الصّيام کذلک حکم مولی الأنام."

"اين ايّام بسط قبل از قبض و اعطاء قبل از امساک است لذا بايد کلّ بکمال انبساط و ابتهاج و روح و ريحان بتهليل و تکبير و تسبيح حقّ متعال مشغول شوند و در اين ايّام اجتماع و ضيافت و سرور لدی اللّه محبوبست. انشاء اللّه کلّ بکمال ما يمکن فی الامکان در اين ايّام متلذّذ باشند و بعد وارد در شهر صيام شوند. طوبی للعاملين."

و در لوح ديگر نازل:

"هو الأقدس الأعظم الأبهی هذه ايّام البهآء و امرنا الکلّ ان ينفقوا فيها علی انفسهم و علی الّذين توجّهوا الی هذا المقام المرفوع ان اذکروا اللّه فيها ثمّ اعرفوا قدرها لانّها تحکی عن هذا الأسم الّذی به سخّر اللّه الغيب و الشهود انّا جعلناها قبل الصّيام فضلا من عندنا و انا المقتدر علی ما کان و ما يکون. طوبی لمن عمل بما امر من لدی اللّه و ويل لکلّ غافل مردود."

راجع بايّام هاء الواح مخصوصه از قلم مبارک نازل شده از جمله لوحی است که مطلعش اينست

"بسمی الغريب المظلوم قد تشرفت الأيّام يا الهی بالأيّام الّتی سمّيتها بالهاء کانّ کل يوم منها جعلته مبشّرا و رسولا ليبشر النّاس بالأيّام الّتی فيها فرضت الصّيام علی خلقک و بريّتک .."..الخ

و لوح ديگر نيز که مطلعش اينست

"يا الهی و ناری و نوری قد دخلت الأيّام الّتی سمّيتها بايّام الهآء فی کتابک يا مالک الأسمآء ." الخ

و در لوح ديگر که مطلعش اينست

"هو الأقدس الأعظم الأبهی سبحان الّذی اظهر نفسه کيف اراد انّه لهو المقتدر المهيمن القيّوم هذه ايّام الهآء ..".الخ

که از قبل نگاشته شد. چون بر اين جمله استحضار حاصل شد بذکر بقيّه احکام ميپردازد.

در رساله سؤال و جواب نازل:

"سؤال - در غير شهر العلاء اگر نفسی خواسته باشد صائم شود جايز است يا نه و اگر نذر و عهد کرده باشد که صائم شود مجری و ممضی است يا نه؟

جواب - حکم صوم از همانقرار است که نازل شده ولکن اگر نفسی عهد نمايد للّه صائم شود بجهة قضاء حاجات و دون آن بأسی نبوده و نيست ولکن حقّ جلّ جلاله دوست داشته که عهد و نذر در اموريکه منفعت آن بعباداللّه ميرسد واقع شود."

1. در جلد سوّم عالم بهائی منطبعه امريکا راجع بسنه ١٩٣٠ - ١٩٢٨ صفحه ١٣۵ نيز اين مطالب بتفصيل مرقوم و از نوشتجات نبيل زرندی ( که در سال ١٣١٠ هجری خود را غرق کرد و تاريخ غرق خود را با کلمه غريق مطابق ساخت و شرح حالش بقلم خود او در تاريخ نبيل انگليسی که هيکل مبارک ترجمه فرموده‌اند در صفحه ۴٣۴ مسطور است) استخراج شده و در آن برای تعيين سنين هر واحد هر سالی از واحد باسمی که عددش با آن مطابق است موسوم

گرديده و اسامی مزبور بقرار ذيل است . ١ الف ٢ باء ٣ اب۴ دال

۵ باب ۶ واو ٧ ابد ٨ جاد ٩ بهاء ١٠ حبّ ١١ بهّاج ١٢ جواب

١٣ احد ١۴ وهّاب ١۵ وداد ١۶ بدی ١٧ بهی ١٨ ابهی ١٩ واحد

و نوزده قرن بديع عبارت از يک کلّشیء و هر قرن عبارت از نوزده سال است و چون واحد اوّل تمام شود بواحد ثانی شروع کرده و همچنين الی ما لانهايه و چون يک دور بآخر رسيد از آن بکلّشیء تعبير کنند بقيد اوّل يا دوّم الی ما لانهايه. فی المثل تاريخ اين روز که اينعبد بنگارش اين اوراق مشغول است بقرار ذيل است يوم الجلال يوم المسائل من شهر العلاء من سنة الواو من الواحد السّادس من کلّشیء الأوّل يعنی روز شنبه پانزدهم شهر العلاء سال ١٠١ تاريخ بديع [↑](#footnote-ref-1)
2. مقصود حاج محمّد ابراهيم معروف بمبلّغ شيرازی الاصل يزدی المسکن است که از قلم مبارک بخليل ملقّب شده . و لوح او در جواب سؤال از هياکل در رحيق مختوم مندرجست در ذيل جمله "مستغاث العالمين" . [↑](#footnote-ref-2)